

نهضت ترجمه در عصر قاجار

احمد محسنی^۱

آرشیو خاچاطوریان سرادهی^۲

در تاریخ بشریت، ترجمه دارای نقش اساسی و بسیار مهمی بوده و از دیرباز، در پویایی دانش و فرهنگ بشری و انتقال آن به جوامع و ملل دیگر، نقش بزرگی ایفا کرده است. این مطلب تا به اینجا مورد توجه است که با توجه به اینکه تکنولوژی در حال پیشرفت و رقابت بین کشورهای جهان به شدت رو به گسترش است، نیاز به ترجمه را می‌توان یک امر ضروری ارزیابی نمود.

سابقه ترجمه شاید به دوران باستان بازگردد که انسان توانست با ایجاد یک مسیر فکری مشخص در دنیای خویش، با بهره‌گیری از تجارب و استعدادهای ملت‌های دیگر، به تکمیل یافته‌های خود بپردازد و پیشرفت نماید. پس باید اظهارکنیم که عمر ترجمه به درازای تاریخ است و این شاید همان ظهور انقلاب علمی در جهان باشد. براین اساس، سابقه ترجمه در ایران بسیار طولانی است و چنان‌که از شواهد و قرائن استخراج می‌شود، ترجمه در ایران از ادوار گذشته تاریخی ملت ما حضور داشته و در عصر باستان، یکی از علوم مسلم و شناخته شده به حساب می‌آمده است. این در حالی است که می‌دانیم سوابق ترجمه در فلات ایران، مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد بوده که اکنون اثری از این ترجمه‌ها وجود ندارد.

بیشتر صاحب نظران، بر این عقیده استوارند که ترجمه متون پیش از اسلام، در ایران رونق بسیاری داشته و پس از ورود اسلام، دانشمندان و فلاسفه ایران از هر قوم، ملت و دینی، در نهضت‌های طلایی ترجمه که

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران جنوب)، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی).

در عصر عباسی شکل گرفته بود، مشارکت اساسی داشته اند. در آن دوران، کتاب‌های یونانی و لاتینی به دست مسلمانان افتاد و ایرانیان سعی در ترجمه آن کرده، با پربار کردن مطالب آن، رنگ و بوی تازه‌ای در کالبد بی‌جان علوم خشک یونان دمیدند.

پس از طی عصر خلافت - در آن زمان که زبان فارسی توانست جایگاه اصلی خویش را میان دیگر زبان‌های جهان اسلام از عربی و عبری و سریانی باز نماید، ترجمه متون عربی و گاه عبرانی و سریانی به زبان فارسی، سرلوحه همت فراوان مترجمان روزگار قرار گرفته، سعی در بومی سازی فرهنگ علمی و ادبی کشور نمودند که طی چند دهه و حتی پس از حمله مغولان، رونق خوبی داشت.

پس از طلوع طالع صفویان، درگیری در ترجمه و ترجمه نگاری آغاز گردید که آن را می‌توان نتیجه برخورد تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف ایرانیان با اروپائیان و دیگر ملت‌های مغرب زمین دانست. ادبیات فارسی گسترش یافت و ترجمه‌های بسیاری از اشعار فارسی به زبان‌های زنده اروپایی صورت پذیرفت. در مقابل، ایرانیان نیز با انتقال فرهنگ‌های مختلف دینی و علمی از قبیل مجموعه تواریح و کتاب‌های علمی یونانیان و دیگر ملل پیشرو عالم به صحنه فرهنگی و اغنای تمدن ایرانیان سعی در هر چه پربار شدن این دوران نمودند.

با غروب صفویه، دوران پر عظمت این نهضت‌های علمی غروب کرد و تا به قدرت رسیدن آقامحمدخان قاجار، به یقین ترجمه رو به افول گذاشت و به صورت یک عنصر غیرمرتبط با حکومت و کشورداری درآمد، اما پس از تصاحب قدرت توسط خواجه تاجدار و تأسیس سلسله قاجاریه، در عصر فتحعلی شاه، دومین پادشاه این سلسله، نهضت‌های جدیدی از ترجمه با توجه به ساختارهای ملی و قومی و سیاسی آن روز عالم پدید آمد.

سلسله قاجار که آخرین سلسله قبیله‌ای در تاریخ ایران است، به دلیل تطابق آن با حوادث بزرگ جهان، از جمله ظهور ناپلئون در فرانسه، معاصر با فتحعلی شاه در ایران، تأثیر فراوانی در این فن داشته است. افزون بر این، همسایگی هند و ایران و درگیری میان ابرقدرت‌ها از سراسر جهان برای تسلط بر هند، ایران را به ارتباطات بین‌المللی سوق داد و این، آغاز ارتباط جدید میان ایران و سایر کشورهای جهان بود.

ما در این گفتار سعی داریم نهضت ترجمه و نقش و جایگاهش در عرصه بین‌المللی را معرفی کنیم. این جنبش بزرگ در دوره حکومت ناصرالدین شاه - که یکی از طولانی‌ترین حکومت‌ها پس از عصر صفوی بود - به اوج خود رسید و شکوفایی آن با ترجمه بهترین آثار علمی، ادبی، سیاسی و فرهنگی اروپایی، سبب روشن فکری جامعه و ترغیب ملت نسبت به تمایلات آزادی خواهانه شد.

در این مقاله، ریشه‌های جنبش ترجمه و اثرات این جنبش در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، بررسی می‌شود.

عوامل ایجاد نهضت ترجمه در عصر قاجار

پس از آنکه ایران در مقابل دولت روسیه تزاری، تن به شکست داد و عهدنامه ننگ‌آور گلستان و ترکمنچای را امضا نموده، ایرانیان که در این میان نتوانسته بودند دلیل این همه شکست را درک نمایند، است؛ آثار مختلفی را توسط برخی از افراد ترجمه کردند و این کار به ایرانیان نشان داد که زمامداران گذشته آنها به چه میزان از جاده تمدن و علم دنیا عقب بوده‌اند. به این صورت بود که شکست ایران در برابر ارتش پیشرفته خارجی آغازگر جنبش ترجمه در عصر ناصری شد. در واقع، شکست‌های ایران در طول جنگ‌های با روسیه در سال‌های ۱۲۱۹ / ۱۸۰۴ - ۱۸۱۳/۱۲۲۸، ۱۲۴۲/۱۸۲۶ و ۱۲۴۴/۱۸۲۸ و انگلستان ۱۲۷۳/۱۸۵۶ و ۱۲۷۴/۱۸۵۷ م، ریشه ترجمه آثار اروپایی بود. شکست ایران، هشدار برای برخی از درباریان بود؛ در نتیجه در عصر حکومت فتحعلی شاه، عباس میرزا، نایب السلطنه و ولیعهد رسمی وی، فعالیت‌های بسیاری برای نیل به نوگرایی انجام داد؛ از جمله ایجاد ارتباطات بیشتر با اروپا به منظور کمک گرفتن از کشورهای بی طرف برای تجدید سازمان ارتش، فرستادن دانشجویان ایرانی به اروپا به منظور به دست آوردن دانش جدید فنی و استخدام کارشناسان خارجی در ایران.^۱ این روند نشان دهنده نیاز فراوان به ترجمه بود؛ در نتیجه، می‌توان گفت که شکست ایران در جنگ‌ها، عامل ایجاد جنبش ترجمه در دوران قاجار بوده است.

از جمله برنامه‌های انجام شده برای جبران رکود و سستی در ایران، اعزام دانشجو بود که در توسعه ترجمه، نقش مهمی داشت. علاوه بر این، اعزام دانشجو منجر به ارتباطات فرهنگی با اروپا گردید. در این رابطه می‌توان گفت که تماس‌های فرهنگی منظم با اروپا، کم و بیش از اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا آغاز شد و این نیاز، تماس بین دولت‌ها را تشدید کرد.

عباس میرزا ولیعهد، نخستین رجل ایران بود که اولین دانشجوی ایرانی را به اروپا اعزام کرد.^۲ در جدول شماره یک، مقصد و تعداد محصلین اعزامی به خارج در عصر حکام قاجار آمده است.

۱. دانشجویان فرستاده شده در دوران قاجار به اروپا:

تعداد دانشجویان اعزامی	مقصد دانشجویان	تاریخ	
۲	لندن	۱۲۲۶/۱۸۱۱	عباس میرزا
۵	لندن	۱۲۳۰/۱۸۱۵	
۳	فرانسه	۱۲۵۴/۱۸۳۸	محمد شاه
۵	فرانسه	۱۸۴۵/۱۲۶۱	

1. Bosworth, E. , & Hillenbrand , c. (Eds) . (1983). Qajar iran: Political Social and Cultural Change Costa Mesa ca: Mazda p. 243

۲. نوایی، داود، تاریخچه ترجمه از فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تا کنون، کرمان، ۱۳۶۲، ص ۴۲.

نهیضت ترجمه در عصر قاجار/ احمد محسنی- آرسینه خاچاطوریان سرادهی

۶	مسکو و سنت پترزبورگ	۱۲۶۷/۱۸۵۱	ناصر الدین شاه
۳	فرانسه	۱۲۷۲/۱۸۵۶	
۴۲	فرانسه	۱۲۷۵/۱۸۵۹	
۳۰	فرانسه	۱۳۲۹/۱۹۱۲	مظفر الدین شاه

برخی از دانشجویان پس از بازگشت، به عنوان مترجمان رسمی در دستگاه حکومتی قاجار فعالیت کردند و به ترجمه کتاب‌های مهم اروپایی در زمینه‌های مختلف فرهنگی و صنعتی - که بیشتر مورد نظر عباس میرزا بود- پرداختند. نام دانشجویان اعزامی به اروپا که در فعالیت‌های ترجمه نقش بسزایی داشته‌اند، در جدول شماره دو آمده است.

۲. جدول شماره دو دانشجویان اعزامی به اروپا و فعالیت آن‌ها در زمینه ترجمه:

دانشجویان	زمان و مقصد اعزام	فعالیت در زمینه ترجمه
میرزا صالح شیرازی	لندن ۱۸۱۵/۱۲۳۰	مترجم رسمی عباس میرزا ولایتعهد [نایب‌السلطنه]
میرزا رضا	لندن ۱۸۱۵/۱۲۳۰	مترجم کتابهای پتر کبیر ، تاریخ ناپلئون ، افول و سقوط امپراتوری روم
میرزا رضا	فرانسه ۱۲۶۱/۱۸۴۵	مترجم مأموریت دیپلماتیک به فرانسوی
میرزا زکی	فرانسه ۱۲۶۱/۱۸۴۵	مترجم دار الفنون
میرزا یحیی	فرانسه ۱۲۶۱/۱۸۴۵	مترجم شخصی ناصر الدین شاه مترجم وزارت امور خارجه
محمد علی قلی	فرانسه ۱۲۶۱/۱۸۴۵	مترجم وزارت امور خارجه
احمد خان	فرانسه ۱۹۱۲/۱۳۲۹	معلم دار الفنون مدیر دار ترجمه

علاوه بر اعزام دانشجو، سفر درباریان به خارج از کشور، نقش بسزایی در جنبش ترجمه دوران قاجار داشت. سفرهای درباریان ، به ویژه سفر ناصرالدین شاه به خارج از کشور، نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. از رهگذر این مسافرت‌ها با ترجمه کتاب‌های اروپایی و تماس با بیگانگان و دیپلمات‌های خارجی، ایده‌های نوگرایانه به درباریان منتقل شد که به انجام اصلاحات منتهی گردید.

سفرهای اروپایی شاه در سال‌های ۱۸۷۳/۱۲۹۰، ۱۲۹۵/۱۸۷۸ و ۱۳۰۷/۱۸۸۹، از نظر تاریخی مهم بود. سفرهای شاه در جهان مدرن، ایران را به سوی نوگرایی و تقویت موقعیت آن در سیاست‌های ملی سوق داد و مردم اروپا را نیز وادار کرد تا با نگاه دیگری به ایران و ایرانیان بنگرند.

علاوه بر این، سفرهای رجال ذی‌نفوذی چون امیرکبیر به روسیه، ایروان و ارزروم، دید وی را نسبت به جهان گشود و وی تحت تأثیر جهان مدرن، برای انجام برخی اصلاحات با توجه به تجارب خود در خارج از ایران، بسیار تلاش کرد و توانست پس از کسب مقام صدارت عظمی، یکی از طلایی‌ترین ادوار تاریخی ایران پس از صفویان را با به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه جبران کند و به عرصه ظهور برساند.

اولین سفر امیرکبیر همراه خسرو میرزا، پسر عباس میرزا و نماینده شاه وقت [فتحعلی‌شاه]، به روسیه (دربار آلکساندر اول) برای عذر خواهی رسمی از قتل گریبایدوف^۱، سفیر روسیه در تهران، در سال ۱۲۴۴ / ۱۸۲۸-۱۸۲۹ بود.^۲ سفر دوم امیر کبیر به ایروان در ۱۲۵۳/۱۸۳۷، همراه ولیعهد جوان، ناصر الدین میرزا، اتفاق افتاد.^۳ پیش‌تر توضیح داده شد که وی به امپراتوری عثمانی در ۱۲۵۹ / ۱۸۳۴ سفر کرد و در آنجا به مدت سه سال، به عنوان نماینده ایران در کنفرانس ارزروم، (از ۱۲۵۹/۱۸۴۴ تا ۱۲۶۳ / ۱۸۴۸)، باعث آشنایی وی با اصلاحات مدرن شد و آن به عنوان مأمور رسمی دولت ایران توانست به اختلافات مرزی بین ایران و عثمانی به بهترین شکل پایان دهد.^۴

علاوه بر اهمیت شرکت میرزا تقی خان فراهانی در کنفرانس ارزروم بر روابط خارجی ایران، سفر وی به عثمانی، نقش مهمی در جنبش ترجمه داشت. وی دو تن از اعضای هیئت نمایندگی خود را به ترجمه کتاب‌های اروپایی به فارسی مأمور نمود. محمد حسین فراهانی، منشی ویژه امیر کبیر و وقایع نگار، به ترجمه بخش‌هایی از چندین کتاب پرداخت که به صورت مجموعه‌ای تحت عنوان *a New Cosmographic Geography* در دو جلد منتشر گردید. لازم به ذکر است که این کتاب شامل اطلاعات جغرافیایی تاریخ، سیاست، اقتصاد و اطلاعاتی از سراسر جهان است؛^۵ علاوه بر این، ژان داوود مسیحی، مترجم فرانسوی هیئت، به جمع‌آوری کتاب‌های اروپایی و ترجمه آن‌ها در ارزروم منصوب شد و توانست اطلاعات ذی‌قیمتی را همراه خویش به ایران بیاورد.

غیر از عواملی ذکر گردید، امیرکبیر با تأسیس دارالفنون [پلی تکنیک]، در سال ۱۲۶۷/۱۸۵۱ توانست مهم‌ترین عامل ایجاد جنبش ترجمه در دوران ناصری را ایجاد نماید و شاید بتوانیم به یقین اظهار کنیم که

1. Grebaio Dof

2. Nashat, G. (1982). The origins of Modern Reform in Iran, 1870 – 80. Chicago: University of Illinois Press. P. 18

۳. عباس، میرزا تقی‌خان امیرکبیر به کوشش ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران: ۱۳۸۵، ص ۵ – ۲۴، ۵. اقبال آشتیایی

4. Sheikholes Iami, A.R. 1997 The Structure of Central Authority in Qajar Iran 1871- 1896, Atlanta GA: Scholars Press .P. 22 Nashat, 1982 p .18

۵. آدمیت فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲، ص ۵، ۷۲ و ۱۸۴.

تأسیس دارالفنون در عصر ناصری، مهم‌ترین عنصر آغازگر ترجمه به سبک نو در آن عصر است. امیر کبیر، نخست وزیر ناصر الدین شاه و مؤسس مدرسه دارالفنون، در طول سفر خود به روسیه و دیگر کشورهای اروپایی، با آموزش عالی آن کشورها آشنا شده بود؛ بنابراین تصمیم گرفت با استفاده از دانش خود، نهادهای به سبک اروپایی، در ایران تأسیس کند.^۱ وی با هدف ترویج نیازهای آموزشی کشور و اعزام نکردن دانشجویان به خارج، به فکر تأسیس دارالفنون افتاد. از آنجایی که در ابتدا تقریباً تمام معلمان دارالفنون خارجی بودند و به زبان فارسی آشنایی نداشتند، استخدام مترجم در کلاس‌های درس ضروری بود.^۲ از سوی دیگر، مترجمان ایرانی، آلمانی یا ایتالیایی نمی‌دانستند؛ بنابراین زبان فرانسوی به عنوان زبان تدریس در دارالفنون انتخاب شد.^۳ آندره، خیاط اتریشی، تنها مترجمی بود که آلمانی می‌دانست.^۴ علاوه بر این، به دلیل توجه زیاد به فرهنگ فرانسه که از اوایل دهه ۱۸۰۰ آغاز شده بود، زبان فرانسه در دارالفنون تدریس می‌شد. برخی از این مترجمان که برای ترجمه همزمان در کلاس درس حاضر می‌شدند، در زمان حکومت محمد شاه، نیز، عده‌ای برای تحصیل به اروپا اعزام شده بودند. در میان آن‌ها می‌توان به میرزا زکی مازندرانی علی آبادی و میرزا رضا کاشی اشاره کرد که از دانشجویان اعزامی به فرانسه در سال ۱۸۴۵/۱۲۶۱ بودند.^۵ از سوی دیگر، بسیاری از مترجمان، از ایرانیان ارمنی بودند که به زبان‌های روسیه و فرانسه مسلط بودند و با علوم اروپایی آشنایی داشتند؛ از جمله میرزا ملکم خان ناظم الدوله که در پاریس تحصیل کرده بود و پس از بازگشت، به ترجمه و تدریس در دارالفنون پرداخت.^۶

دارالفنون، با معلمان خارجی از کشورهای مختلف اروپایی و ورود دستگاه چاپ دولتی، منجر به رونق ترجمه شد. با توجه به عدم وجود مواد آموزشی، مدرسان اتریشی، به ترجمه مواد درسی پرداختند؛ بنابراین، برای کمک به مطالعه دانش آموزان، کتاب‌ها و جزوه‌ها به فارسی ترجمه شد.^۷ انتشار ترجمه کتاب‌های درسی توسط اولین معلمان دارالفنون به کمک دستیاران ایرانی، در تکامل جنبش ترجمه در عصر ناصری،

1. Mostofi, A. (1997). *The Administrative and Social History of the Qajar Period* (N.M Glenn, Trans) (Vol. 1). Costa Mesa, CA: Mazda. (Original Work Published 1950).P.43
2. Algar, H. (1973). *Mirza Malkum khan: A Study in the History of Iranian Modernism*, Los Angeles: University of California Press.P.21
3. Ringer, M. M (2001). *Education Religion, and the Discourse of Cultural Reform in Qajar Iran*. Costa Mesa, CA: Mazda publication. P.76
۴. هاشمیان، احمد ایرج، *تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون*، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴.
5. Lorentz, j. H. (1974) – *Modernization and Political Change in Nineteenth Century Iran: the Role of Amir kabi*. (Doctoral Dissertation, Princeton University – Princeton). Available from Bell & Howell Dissertation and Thesis Database. (UMI NO. 7520645) P. 148
6. Algar P. 21
7. Ringe P. 76

تأثیرگذار بود. باید اشاره کرد که برای تحقق نیازهای آموزشی مدرسه و انتشار کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های ترجمه شده توسط معلمان خارجی، دستگاه چاپ دولتی وارد گردید که بعداً برای انتشار روزنامه نیز از آن بهره گرفته شد.

روزنامه‌ها را می‌توان از دیگر عوامل مهم در توسعه ترجمه عصر ناصری دانست. آن‌ها حاوی ترجمه‌هایی از رمان‌های برجسته اروپایی بودند که بیشتر به صورت پاورقی در روزنامه‌ها چاپ می‌شد. کتاب‌های تاریخی بسیاری نیز توسط دارالفنون و مترجمان دارالترجمه، ترجمه شد که به صورت پاورقی در بسیاری از روزنامه‌ها به چاپ رسید و مقاله‌هایی که از مقالات خارجی ترجمه شده بود نیز در آنجا دیده می‌شد.

از روزنامه‌های حاوی ترجمه دوران قاجار می‌توان به وقایع اتفاقیه، آذربایجان، روزنامه علمی دولتی علیه ایران، روزنامه ملتی ایران، مرآت السفر و مشکوة الحضر، المنطبة فی الفارس، لا پارتی، روزنامه نظامی دولت علیه ایران، روزنامه علمی، مریخ، دولت علیه ایران، فرهنگ، اطلاع، دانش، شرف، مدنیت، اکودوپرس، شایق، ناصری و تربیت اشاره کرد. ترجمه‌های برجسته‌ای که در پاورقی روزنامه‌ها منتشر می‌شد، عبارتند از: ترجمه ژول ورن و داستان‌های کاپیتان آتراس^۲ توسط اعتماد السلطنه در ایران (۱۸۷۱/۱۸۷۱)؛ ترجمه اعتماد السلطنه از رابینسون کروزویه^۳ از زبان فرانسه به فارسی در مرآت السفر و مشکوة الحضر (۱۸۷۱/۱۸۷۱)؛ تاریخ حمزه، ترجمه ابن حسن اصفهانی، معروف به کبرالامام در روزنامه علمی. (۱۸۷۶/۱۲۹۳ تا ۱۲۹۷ / ۱۸۸۰)

غیر از روزنامه‌های داخل کشور، روزنامه‌هایی در خارج از کشور منتشر می‌شد که از آن‌ها می‌توان به اختر، قانون، حیل المتین، ثریا و پرورش اشاره نمود. ورود این روزنامه‌ها گه گاهی به کشور ممنوع می‌شد، ولی آن‌ها به صورت مخفیانه، به دست خوانندگان ایرانی که مشتاق دریافت اطلاع از اخبار جهان و ایران بودند می‌رسید.

در تمام عوامل یاد شده، مقامات دولتی، از جمله خود شاه و اعضای کابینه او، نقش مهمی در حمایت و توسعه جنبش ترجمه داشتند. آن‌ها فرایند ترجمه، از جمله، انتخاب کتاب‌هایی برای ترجمه شدن و زندگی و موقعیت اجتماعی مترجمان را کنترل می‌کردند. در واقع، جنبش ترجمه در دوران قاجار، بیشتر مرهون خدمت و تحت تأثیر چهار شخصیت دولتی عباس میرزا، ناصر الدین شاه، امیر کبیر و اعتمادالسلطنه بوده است.

عباس میرزا، یکی از حامیان جنبش ترجمه و از طرفداران اصلاحات در عصر ناصری بود. او تنها قدرتمند قاجار بود که متوجه نیاز فوری برای اصلاحات به سبک غربی در ایران شد و سعی کرد با ایجاد فرصت‌های علمی و صنعتی برای عالمان و صنعت‌گران ایرانی، کشور را از حالت رخوت و سستی نجات بخشد. وی از مترجمان پشتیبانی می‌کرد و به آن‌ها دستور می‌داد که آثار مهم اروپایی را به فارسی ترجمه کنند. یکی

1. Julesverne
2. Les Anglais du Adventures Capitaine Hatteras Pile Nord
3. Robinson Crusoe

نهیضت ترجمه در عصر قاجار / احمد محسنی - آرسینه خاچاطوریان سرادهی

از مترجمان مورد حمایت عباس میرزا، میرزا رضا مهندس تحصیل کردهٔ خارج بود. او مقالات ولتر دربارهٔ پتر کبیر و شارل دوازدهم و سقوط و انحطاط امپراتوری روم اثر ادوارد گیبون^۱ را ترجمه کرد. در این اثر، نویسنده به شرح علل سقوط امپراطوری روم پرداخته است. علاوه بر این، جیمز کمل انگلیسی، تاریخچهٔ اسکندر را به دستور عباس میرزا ترجمه کرد. جیمز کمل - همان طور که کیانفر اشاره کرده است^۲ - در مقدمهٔ کتاب خود می‌نویسد: «من با دستور عباس میرزا به ترجمهٔ این کتاب پرداختم». علاوه بر آثار تاریخی و نظامی، ولیعهد به ترجمهٔ آثار پزشکی نیز توجه داشت. تعلیم نامه در اعمال آبله زدن، از جمله کتاب‌های پزشکی بود که توسط میرزا محمد بن عبد الصبور خوبی، در سال ۱۲۴۵ / ۱۸۲۹ ترجمه شد.^۳

ناصرالدین شاه، از دیگر چهره‌های مهم در جنبش علمی دوران قاجار بود و ترجمه در زمان سلطنت او، به اوج خود رسید. در آن زمان، دارالترجمه مرکز فعال و منظم ترجمه بود که تحت نظارت مستقیم شاه تأسیس شد و گروهی از مترجمان با تجربه، به ترجمهٔ آثار اروپایی و روزنامه‌ها پرداختند. شاه نیز تمام کتاب‌های ترجمه شده را برای انتشار می‌خواند.^۴ هم‌چنین وی را می‌توان یکی از مشوقین بزرگ علم ترجمه در ایران دانست. بنا به فرمان او بود که اعتمادالسلطنه، دارالترجمه را تأسیس کرد و حقوق مترجمان را از هزینهٔ شخصی خود پرداخت می‌کرد. علاوه بر عباس میرزا و ناصرالدین شاه، امیرکبیر نیز برنامه‌های زیادی، از جمله اعزام دانشجو، تأسیس دانشگاه پلی تکنیک و انتشار روزنامهٔ وقایع اتفاقیه، برای توسعهٔ ترجمه داشته است. به دستور وی ترجمهٔ برخی از مقالات روزنامه‌های اروپایی و قسمت‌هایی از کتاب‌های اروپایی در روزنامهٔ رسمی دولتی منتشر شد. بدین منظور، روزنامه‌هایی از فرانسه، انگلستان، روسیه، اتریش، امپراطوری عثمانی و هند، به ایران ارسال می‌شد. او دو نفر را به منظور انتخاب و ترجمهٔ مقالات از این روزنامه‌ها در روزنامهٔ وقایع اتفاقیه منصوب کرد. آنتونی برگس انگلیسی، یکی از مترجمانی بود که بیشتر به انتخاب و ترجمه می‌پرداخت. مترجم دیگر، میرزا عبدالله ترجمه نویس که آن‌ها را به زبان فارسی می‌نگاشت.^۵

علاوه بر این، محمدحسن خان مقدم مراغه‌ای، ملقب به اعتماد السلطنه، وزیر مطبوعات ناصری، وزیر دارالفنون و دارالترجمه، در توسعهٔ ترجمه، نقش مهمی داشته است. وی از سال ۱۲۸۸ / ۱۸۷۱ تا ۱۳۱۴ / ۱۸۹۶، رئیس دارالترجم بود که برای توسعهٔ ترجمه از سوی دولت‌ها حمایت مالی می‌شد. نوایی اظهار داشت^۶ که «به دلیل آشنایی اعتماد السلطنه با فرهنگ اروپایی، وی به جمع آوری مترجمان در وزارت انطباعات و ترجمهٔ کتاب‌های اروپایی، به ویژه فرانسه پرداخت.» بنابراین، با مدیریت اعتماد السلطنه، بسیاری از کتاب‌های

1. Menashri, D. (1992)- Education and the Making of Modern Iran. Ithaco, London: Corne11 University Press. P.7

۲. کیانفر، جمشید، «ترجمه در عهد قاجار، از آغاز تا دورهٔ ناصرالدین‌شاه»، دانش، ش ۱۰، ۱۳۶۸، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۲۴.

۴. نوایی، همان، ص ۴۶.

5. Lorent, p. 34-126

۶. نوایی، همان، ص ۵۴.

مهم اروپایی به فارسی ترجمه شد.^۱ او نوشته‌ها و ترجمه‌های زیادی دارد، اما بسیاری از مورخان معتقدند بیشتر آنچه به نام او چاپ شده، ترجمه مترجمان دارالترجمه است.^۲ هر حال، چه او مترجم کتاب‌ها باشد، چه نباشد، این آثار از ترجمه‌های بسیار خوب دوران ناصری محسوب می‌شوند.^۳

تأثیر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جنبش ترجمه در دوران ناصری

نهضت ترجمه دوران ناصری، منجر به برخی تحولات در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شد که ایران را به سوی تجدیدگرایی سوق داد. ایرانیان از زمان صفوی با غرب روبرو شدند، ولی هیچ تلاشی برای آشنایی با ایده‌های جدید و مفاهیم غربی صورت نگرفت. بعدها در عصر قاجار، پس از شکست ارتش ایران در جنگ ضد تجاوز روسیه (۱۸۰۴/۱۲۱۹ - ۱۸۱۳/۱۲۲۸ و ۱۸۲۶/۱۲۴۲ - ۱۸۲۸/۱۲۴۴)، زمانی که متوجه شدند سلاح‌های مدرن و تاکتیک‌های به کارگرفته شده توسط روس‌ها، نسبت به ساختارهای سنتی و تجهیزات ناکارآمد ایشان، بسیار پیشرفته‌تر است، سعی کردند با استفاده از ترجمه آثار اروپایی، جبران این عقب افتادگی را نموده، با ملزومات تمدن جدید از طریق ترجمه آشنا شوند. (ص ۵۱۹)

ترجمه آثار اروپایی، بر ادبیات فارسی نیز تأثیرگذار بود. مترجمان دوره قاجار با به کارگیری لغات روزمره در نثر فارسی، راه را برای ساده‌تر نویسی هموار ساختند. ترجمه مردم‌گریز مولیر^۴ توسط حبیب اصفهانی (۱۸۶۹/۱۲۸۶) و رمان‌های دوما پدر^۵، دانیل دفو^۶، لوسیج^۷، فنلن^۸ و ژول ورن^۹، نه تنها بر نثر فارسی تأثیر گذاشت، بر ذوق ادبی و عادات خواندن ایرانیان نیز اثرگذار گردید.^{۱۰} این ترجمه‌ها همراه انتشار مقالات در روزنامه‌های فارسی زبان در داخل و خارج کشور و در دسترس بودن آثار ایرانیان خارج از کشور، راه را برای سبک جدید نوشتن هموار ساخت.

اشکال جدید ادبی نیز، از دگرگونی‌های بنیادی در نثر فارسی بود. در واقع، داستان کوتاه، رمان و درام، از سبک‌های جدید معرفی شده ترجمه آثار اروپا بودند. در این رابطه^{۱۱}، «رمان‌ها و داستان‌های کوتاه و... از

1. karim - Hakkak, A. (1995). Persian Tradition. Retrieved Novembre 13, 2008 from Routledge Encyclopedia of Translation Studies Database. P.518

۲. نوایی، همان، ص ۱۳۶۲.

۳. همان، ص ۵۴.

4. Moliere he misanthrope

5. Dumas the Elde

6. Daniel Defoe

7. Lesage

8. Fenelon

9. Jules verne

۱۰. آریانپور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران: شرکت سهامی کتاب جیبی، ۱۳۵۷، ص ۲۸۵.

۱۱. آریانپور، همان، ص ۲۹۷.

سبک های تازه در ادبیات فارسی است که از نیمه دوم قرن ۱۹، با اقتباس از سبک های جدید اروپایی پدید آمد. از آثار برجسته ای که بر نثر مدرن فارسی تأثیر گذار بوده، به اختصار می توان به سیاحت نامه ابراهیم بیگ، رمان منتشر شده در ۱۹۰۲/۱۳۲۰ و ترجمه بسیار ساده و روان ماجراهای حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه چاپ شده در سال ۱۸۲۴ در لندن، اشاره کرد.^۱

علاوه بر این، آگاهی از تناتر اروپایی، از طریق ترجمه نمایشنامه های اروپایی در قرن ۱۹ توسعه یافت.^۲ در این زمان، مترجمان ایرانی شروع به ترجمه نمایشنامه های غربی کردند و از این راه با افکار غربی آشنا شد، به زودی به اقتباس نمایشنامه های اروپایی پرداختند. نخستین نمایشنامه اروپایی، توسط میرزا حبیب اصفهانی در ۱۸۶۹-۱۲۸۶/۷۰ به فارسی ترجمه شد. وی مردم گریز مولیر را به نظم در آورد و آن را به یکی از شاخص ترین و اثر گذارترین نثرهای اواخر عصر قاجار تبدیل نمود. یکی دیگر از نخستین نمونه های ترجمه نمایشنامه، ترجمه طیب / جباری اثر مولیر، توسط [محمدباقرخان] اعتماد السلطنه است.

نمایشنامه نویسان ایرانی، تحت تأثیر غرب، شروع به نوشتن نمایشنامه هایی به سبک غربی کردند. نخستین نمایشنامه نویسان فارسی بعد از اواسط قرن ۱۹، میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۸۱۴/۱۲۲۹-۱۲۹۵-۱۸۷۸/۱) و میرزا آقا تبریزی (۱۸۳۳/۱۳۴۹-۱۹۰۸/۱۳۲۶) بودند.^۳ میرزا فتحعلی آخوندزاده، نمایشنامه ای با عنوان تمحیلات، در طول ۱۲۶۶/۱۸۵۰ - ۱۲۷۳/۱۸۵۰ به زبان ترکی آذری نوشت^۴ و میرزا آقا تبریزی، اولین نمایشنامه نویس به زبان فارسی بود. اشرف خان حاکم عربستان، زمان خان بروجردی، کربلا رفتن شاه قلی میرزا و حکایت عاشق شدن آقا هاشم خلخال، از جمله آثار وی هستند.^۵

ترجمه آثار اروپایی نیز تحت تأثیر تاریخ نگاری سنتی ایران بود. نخستین ترجمه از تاریخ نگاری اروپایی به فارسی، تاریخچه ولتر از پتر کبیر و چارلز دوازدهم است.^۶ علاوه بر این ترجمه ها، تاریخ نگاری ایران توسط اروپاییان نیز به فارسی ترجمه شد؛ از جمله تاریخچه سر جان ملکم، ترجمه شیخ محمد اصفهانی، منجر به معرفی روش های جدیدی از تاریخ نگاری شد؛ همه این ترجمه ها، بر دانش علمی ایرانیان از تاریخ عمومی جهان افزود. علاوه بر این، با درک روش های جدید پژوهش و نوشتن تاریخ، ایرانیان از کاستی های نوشته های تاریخی و سنتی آگاه و به تاریخ کهن ایران علاقه مند شدند.

1. Hillmann, M.C 1988 () Persian Prose Fiction: An Iranian Mirror and Conscience. In E. Yarshater (Ed), Persian Literature (pp. 219 – 317). P. 293

۲. زرین کوب، عبدالحسین، از گذشته ادبی ایران: مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر، تهران: المهدی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۹.

۳. حقوقی، محمد، مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران، تهران: قطره، ۱۳۷۷، ص ۳۷.

۴. آریانپور، همان، ص ۳۵۴.

5. kiani, R. A. (1984). History of Theater and Drama in Iran: Western Influence. (Doctoral Dissertation, University of California – Los Angles). Available From Bell & Howell Dissertation and Thesis Database. (UMI NO. 8505635).P P.2 - 70

۶. کیانفر، جمشید، «ترجمه در عهد قاجار، از آغاز تا دوره ناصرالدین شاه»، دانش، ش ۱۰، ۱۳۶۸، ص ۲۴.

یکی از تأثیرات دیگر نهضت ترجمه بر جنبه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه، معرفی مفاهیم جدید سیاسی در جامعه بود که منجر به انقلاب مشروطه شد. با ترجمه آثار انقلابی کشورهای خارجی، مردم با مفاهیم دولت و جامعه آشنا شدند. برای تحقق این هدف، کتاب‌های تاریخی‌ای که در بیداری مردم مؤثر بودند، در دوران ناصری، به فارسی ترجمه شد. عباس میرزا، حامی جنبش ترجمه، دستور داد چارلز دوازدهم، پتر کبیر و الکساندر بزرگ ترجمه شوند^۱. ترجمه‌های دیگر که نقش مهمی در شکل‌گیری انقلاب مشروطه داشتند، عبارت بودند از: *تاریخچه فردریک گیوم* ترجمه شاهزاده محمد طاهر میرزا، بوسه عذرا اثر جورج رینولدز، *شورش روسیه* ترجمه عبدالحسین، *تاریخ انقلاب کبیر فرانسه* ترجمه یوسف مرتضوی تبریزی و *تاریخ انقلاب روسیه* اثر دکتر خلیل بیگ ترجمه عبد الله بن حسین رضوی کرمانی^۲.

نتیجه گیری

نهضت ترجمه ایران در عصر قاجار شکوفا شد و توانست در دوران سلطنت ناصرالدین شاه رشد زیادی یابد. عوامل بسیاری در این رشد مؤثر بوده‌اند که این نهضت را تسریع بخشیده، آن را به انجام رسانیدند؛ مانند شکست‌های پی در پی قوای ایران در برابر ارتش روسیه که منجر به رویارویی ایرانیان با غرب و به اصطلاح ابرقدرت‌های آسیایی و اروپایی گردید؛ متعاقب آن، اعزام دانشجویان به خارج برای کسب علوم روز عالم که گسترش ارتباطات فرهنگی را در پی داشت. پس از این عوامل، سفرهای سه گانه ناصرالدین شاه به اروپا و اصلاحات امیرکبیر در آغاز سلطنت وی، راه را برای این جنبش هموار ساخت، زیرا درباریان قاجار و به خصوص شخص شاه توانسته بودند فاصله میان ایران و اروپا را دریا بند و به فکر چاره‌ای برای گذشته باشند.

امیرکبیر با ایجاد مطبوعات رسمی، تأسیس دبیرستان و آکادمی دارالفنون، ارائه ترجمه و تفسیر آرا و عقاید فرنگیان در ایران و اعتمادالسلطنه از راه ترجمه خارجی و مدیریت تنها نهاد ترجمه کشور یعنی دارالترجمه ناصری و اداره مطبوعات شاهنشاهی، توانستند سهم به‌سزایی در این پیشرفت داشته باشند. این انقلاب فرهنگی باعث شد تا نوگرایی و تغییر در ادبیات سنتی ایران از طریق ایجاد سبک‌های جدید ادبی در زبان فارسی، به غنای ادبیات فارسی بیفزاید. این تفسیر در ادبیات، ابتدا از مدارس رشدیه آغاز شد و در ادبیات کودکان در عصر مشروطیت، تأثیر گذاشت و توانست با تغییر در نظام آموزشی، کودکان و نوجوانان را به سمتی هدایت نماید که برخلاف اجداد خویش، بتوانند زبان خارجه (زبان سیاسی و اجتماعی) غرب را فرا گرفته، منشاء خدمات بسیاری گردند و شاید از آثار این نهضت، به ثمر رسیدن نهال آزادی در ایران، رشد و بالندگی افکار نوجوانان و جوانان و به ظهور رسیدن احساسات ملی در پرتو تعالیم آزادی‌خواهانه اروپایی که همانا جنبش مشروطیت ایران نام گرفت، باشد.

۱. فشاهی، محمدرضا، *تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فیودالی ایران*، تهران: گوتنبرگ، ۱۳۵۴، ص ۲۰.

۲. فشاهی، همان، ص ۴-۲۳.